

تحلیل عزت و استکبارستیزی در بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت آیه ۲۹ سوره فتح

محمد کاکاوند*

چکیده

عزت و استکبارستیزی که دو عنصر اساسی در بیانیه گام دوم انقلاب به شمار می‌روند، ضروری است بر اساس آموزه‌های قرآن به‌خوبی تبیین شوند. بدین خاطر هدف پژوهش، تشریح عزت و استکبارستیزی و جوانب مختلف آن در بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت آیه ۲۹ سوره فتح است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به این نتایج دست یافت که؛ استکبارستیزی و حفظ عزت و استقلال با فطرت انسان‌ها سرشته شده است. بدین سبب بر پایه آموزه‌های آیه فوق و بیانیه گام دوم، با تکیه بر اقتدار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و سرمایه‌های داخلی، می‌توان مقابل هرگونه تعدی کفار بر بلاد اسلامی را گرفت و عزت و استقلال مسلمانان را تضمین کرد. به‌گونه‌ای که مسلمانان وابستگی به بیرون از جامعه اسلامی نداشته باشند و کرامت و اصالت خود را حفظ کنند و استکبارستیزی که از مقومات عدالت اجتماعی و ظلم‌ستیزی است می‌تواند نفی سلطه بیگانگان را به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی

گام دوم انقلاب، اقتدار اقتصادی، استقلال، حفظ عزت، استکبارستیزی.

kakavandm1362@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ملایر.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۲

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگشت انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری نوشته شد و به ارکان مختلف جامعه از مسئولین و دانشمندان تا اقشار مختلف جامعه ابلاغ شده است که دارای رهنمودهای زیادی در جهت پیشرفت و آبادانی کشور و نفی هرگونه سلطه است. این بیانیه همخوانی با آموزه‌های قرآنی، روایی و عقلی دارد چون هر حکومت دینی برای رسیدن به قله‌های رفیع پیشرفت باید دارای برنامه یا برنامه‌های راهبردی و مشخصی براساس آموزه‌های دینی باشد اگر حکومتی از این امر محروم باشد مطمئناً موفق نخواهد شد. با توجه به اینکه حکومت جمهوری اسلامی ایران در سایه ولایت مطلقه فقیه اداره می‌گردد و باید اصول کلی و راهبردی برنامه‌های کشور برای تعالی و پیشرفت به تأیید ولایت فقیه برسد، در بسیاری از امور کلی کشور اگر برنامه‌ای اجرایی شود باید مشروعبیتش را از ولایت مطلقه فقیه (چه بی‌واسطه و چه باواسطه) بگیرد. گاهی اوقات ولی فقیه خود برای پیشرفت کشور اصول و کلیاتی را در قالب برنامه راهبردی و کلیدی بیان می‌کند. لذا در بیانیه گام دوم انقلاب چشم‌اندازی برای پیشرفت سریع کشور در اصول مهم و مختلفی بیان شده است. از بحث اخلاق گرفته تا فرهنگ، اقتصاد، سیاست، مقاومت و مهم‌تر از همه به دو عنصر عزت و استکبارستیزی در ذیل عناوین متعددی پرداخته شده است و این عزت و استکبارستیزی و عدم ارتباط‌گیری با غیرمسلمانان از آیات متعددی به دست می‌آید. از جمله آیه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا. (آل عمران / ۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراه مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند.

آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. (مائده / ۵۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید.

همان‌طوری که خداوند رابطه ولایی میان مسلمانان با غیرمسلمانان و کفار را نفی کرده، فرمان می‌دهد که رابطه ولایی باید میان مؤمنان، برقرار باشد؛ زیرا رابطه ولایی کارکردهایی دارد که نباید میان مسلمانان و غیرمسلمانان ایجاد شود. از جمله کارکردهای رابطه ولایی آگاهی به اسرار باطنی و

اطلاعات سری و رازهای مؤمنان و جامعه اسلامی است و همچنین دستور می‌دهد که نباید با آنها رابطه دوستی هم برقرار کرد، زیرا رابطه دوستی باعث می‌شود که انسان خود را شبیه به آنها کند که این نیز مورد مذمت و نهی خداوند قرار گرفته است.

عزت، استقلال و استکبارستیزی از محوری‌ترین مباحث انقلاب اسلامی ایران است. این عناوین در بیانیه گام دوم با کلیدواژه‌هایی از قبیل استقلال کشور و جامعه اسلامی، استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی، نفی سلطه بیگانگان، تعامل و همکاری، بسیج همگانی، حفظ عزت و استقلال مسلمانان، عدم اعتماد به غیرمسلمانان، مورد بحث قرار گرفته است.

اصول یادشده از آیات دیگری نیز همچون آیات: ۵۷ مائده، ۱ و ۱۳ ممتحنه، ۸۸، ۸۹ و ۱۴۴ نساء، ۲۳ و ۲۸ توبه، ۲۲ مجادله، ۳۰ اعراف، ۵۰ کهف، ۴۱ عنکبوت و آیه ۲۹ سوره فتح تحقق پیدا می‌کند، سیاق آیات این است که تأکید بر استکبارستیزی و حفظ عزت جامعه اسلامی می‌کنند و می‌توان گفت سد محکمی در مقابل نفوذ و حمله‌های کفار و غیرمسلمانان هست. از این رو در این مقاله تلاش شده است که عزت و استکبارستیزی براساس بیانیه گام دوم انقلاب استخراج و مورد بررسی و تبیین قرار گیرد، تا راهگشای امور اجرایی کشور گردد. از آنجاکه برخی از عناوین فوق در بیانیه به صورت خلاصه مطرح شده‌اند، برای تکمیل آن عناوین، از سخنرانی‌های امام خمینی و امام خامنه‌ای نیز استفاده شده است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین آیاتی که دو عنصر عزت و استکبارستیزی در آن به خوبی تبیین شده است آیه مبارکه ۲۹ سوره فتح است. خداوند در آیه می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.

محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی درحالی‌که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

بررسی مفاد آیه

برای فهم بهتر عناصر فوق لازم است به طور اجمال تفسیر مختصری از آیه را نیز بیان کنیم: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...» (فتح / ۲۹) یعنی شهادت خدا کفایت می‌کند که محمدرسول اوست. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۴۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲ / ۳۱۰) و ذکر نام محمد به این دلیل است که با افراد دیگری مشتبه نشود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۲؛ طیب، ۱۳۶۹: ۱۲ / ۲۲۰؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۱۰ / ۲۹؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۶ / ۳۸۸) برای ترکیب محمد رسول الله احتمالاتی مطرح شده است: درباره «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» شاید بتوان گفت کلامی تام که متشکل از مبتدا و خبر است چنان که برخی از مفسرین نیز گفته‌اند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۷ / ۳۶۵؛ حقی برسویی، بی تا: ۹ / ۵۵) «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» نیز کلامی تام و عطف بر جمله اول است. (کاشانی، ۱۳۴۰: ۸ / ۳۹۶؛ محلی، ۱۴۱۶: ۵۱۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۶۱) بنابراین ترکیب معنای آیه این است که محمد رسول خدا و کسانی که همراه و پیرو پیامبر ﷺ هستند - مؤمنین - بر کافران سخت‌گیر هستند. و نیز شاید بتوان گفت «مُحَمَّدٌ» خبر مبتدای محذوف و «رَسُولُ اللَّهِ» عطف بیان، صفت و یا بدل «مُحَمَّدٌ» باشد طبق این ترکیب ظاهر آیه دلالت بر این می‌کند که بر کفار شدید و سختگیر باشند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۴۴۶؛ پانی پتی، ۱۴۱۲: ۹ / ۳۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۱۷۱؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۸ / ۱۱۴) اما چنان که در آیه شریفه ۸۲ سوره مائده آمده است، اسلام با کفار نیز اهل تعامل و معاشرت است مادامی که کفار در مقابل مسلمین عنادی نداشته باشند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيصٌ وَرَهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این به خاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند. چنانکه امیرالمؤمنین ﷺ نیز با غیرمسلمانان دادوستد داشته‌اند.

براساس دو تفسیر فوق می‌توان گفت که «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ...». گاهی چنین تصور می‌شود که عزت و استکبارستیزی با رحم، عطف و مهربانی در تعارض است و حال آنکه در آیه خاتم الانبیاء ﷺ و مؤمنینی که پیروان آن حضرت هستند باهمدیگر بسیار رئوف و مهربان‌اند. اگرچه براساس تحلیل دیگری می‌توان گفت: «مُحَمَّدٌ» مبتدا «رَسُولُ اللَّهِ» عطف بیان با بدل یا صفت محمد و «الَّذِينَ مَعَهُ» معطوف بر مبتدا (مُحَمَّدٌ) و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» خبر برای مبتدا باشد (طبرسی، بی تا: ۲۳ / ۱۶۹؛ همو، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۴۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۴۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۸۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۸ / ۵۰۹؛ ایچی، ۱۴۲۴: ۱۶۴) طبق تحلیل سوم اوصاف مذکور

درباره رسول خدا ﷺ و اصحاب منتخب اوست. (اشرفی و پور علی فرد، ۱۳۹۶: ش ۲ / ۲۲ - ۵)

دو تحلیل اول از این جهت رجحان دارند که طبق آن، عادت قرآن به این است که وقتی از جماعتی یاد می‌کند که پیامبر ﷺ نیز در میان ایشان است، برای تشریف و تکریم پیامبر ﷺ، آن حضرت را به‌طور مستقل ذکر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۸۱)

نیز «مع» به‌معنای مصاحبت است (ابوالحسین، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۷۴) که چیزی را به چیز دیگر ضمیمه می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱ / ۹۵) و یک پیوستگی را بین دو چیز اثبات می‌کند. معیت و ضمیمه بودن اقتضای اجتماع در زمان یا مکان و یا رتبه و شرف می‌کند (فیومی، بی‌تا: ۲ / ۵۷۶) در آیه شریفه «وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ...» همراهی اصحاب با رسول خدا ﷺ، به‌خاطر بروز صفات نیک در اصحاب آن حضرت است. به‌گونه‌ای که به اطاعت و تأیید و همراهی او در ظاهر و باطن امور مختلف بینجامد. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۳۳۶؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۶ / ۱۷۲)

بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ بر مبنای اصول ظلم‌ستیزی، عدالت اجتماعی و همچنین در سایه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» بناگذاری شد و برخی از شعارهای انقلاب اسلامی ایران بر مبنای این آیه هست و از آن زمان تاکنون از اصول و شعار خود دست برنداشته است، حتی کجی و اعوجاجی در اصول اولیه انقلاب اسلامی ایران هم پدیدار نگشته است، چنان‌که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید:

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند ... انقلاب اسلامی تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست ... انقلاب اسلامی به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش ... فاصله نمی‌گیرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۱۴)

ایشان در مقدمه گام دوم می‌فرمایند:

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است تنها انقلابی است که ... در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. (همان: ۱۱)

یکی از دلایلی که می‌توان گفت شعارهای انقلاب اسلامی دارای تاریخ مصرف نیستند و شامل تمامی اعصار و زمان‌ها می‌شوند، حتی می‌توان اذعان کرد که شعارهای جهانی به حساب می‌آیند این است که با فطرت انسانی سرشته شده‌اند.

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. (همان: ۱۳)

با توجه به اینکه «عزت و استکبارستیزی» در بیانیه گام دوم انقلاب در ذیل عناوینی مانند: استقلال، نفی سلطه بیگانگان، بسیج همگانی، ظلم ستیزی و عدم اعتماد به غیر مسلمان مورد بحث قرار گرفته، بنابراین شایسته است به این عناصر پرداخته شود:

۱. استقلال کشور و جامعه اسلامی

جامعه یا ملتی اگر وابسته باشد و استقلال خود را حفظ نکند یا نکرده باشد، چنین جامعه‌ای نه تنها پیشرفت نمی‌کند بلکه همیشه اهرم فشاری بر روی آن جامعه هست که اگر خواسته‌های دیگران را به‌جا نیاورد مورد تحریم قرار گرفته و از روزه‌هایی که وابستگی شدید دارد ضربه خواهد خورد، به‌همین دلیل است که خداوند متعال در قرآن کریم تأکید می‌کند که جامعه اسلامی باید بر روی پای خود بایستد و متکی به داشته‌های داخلی خود باشد و از وابستگی خارج شود. لذا به گزارش قرآن اصحاب خاص پیامبر ﷺ در انجیل به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است به‌گونه‌ای که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲ / ۱۱۵) «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...». (فتح / ۲۹) همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به‌قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۲)

تمثیل فوق، به‌ویژه با توجه به تعبیر «فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ» اشاره‌ای گویا به استقلال جامعه اسلامی دارد. شهید مطهری درباره این آیه چنین می‌فرماید:

در این آیه کریمه، خداوند مثلی را برای اهل ایمان یعنی برای مسلمانان که از دستورات پیغمبر اکرم ﷺ پیروی می‌کنند، ذکر می‌کند. مثل زراعتی هستند، یعنی دانه‌ای که در زمین کشت می‌شود. اول که این دانه سر می‌زند، به‌صورت برگ نازک است. اگر مثلاً دانه گندمی را در زمین بکارند، اول‌بار که از زمین می‌روید به‌صورت برگ خیلی نازک و لطیف است. «فَآزَرَهُ» اما این برگ به همان حالت نازکی ثابت نمی‌ماند، تدریجاً بیشتر از زمین بیرون می‌آید و دارای ساقه‌ای

تحلیل عزت و استکبارستیزی در بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت آیه ۲۹ سوره فتح □ ۱۲۳

می‌شود که نسبت به آن برگ صفت دیگری دارد؛ یعنی آن را تقویت می‌کند، آن برگ نازک را محکم می‌کند یعنی ساقه درمی‌آورد. «فَأَسْتَعْلَظَ» بعد کم‌کم این ساقه غلظت و ضخامت پیدا می‌کند. «فَأَسْتَوِي عَلِي سَوْقِهِ» روی ساقه خودش می‌ایستد. «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ» در این وقت است که کشاورزان را به تعجب وامی‌دارد. همین حالت است حالت استقلال و رشد و تعالی که چشم دشمن را کور می‌کند و دشمن به خشم درمی‌آید». (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۱ / ۵۲)

برای روشن شدن معنای آیه به برخی از تحلیل‌های مفسرین اشاره می‌کنیم: طبرسی می‌فرماید: این یک مثال است که خداوند برای حضرت محمد ﷺ و یارانش زده است که ابتدا اندک بوده و به مرور قوی شده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳ / ۱۷۸) و در جای دیگر فرموده است: «سوق» جمع ساق است یعنی بر روی ساقه‌اش ایستاد این مثلی است که خداوند برای آغاز کار اسلام و پیشرفت و گسترش آن زده است، تا آنجا که از ضعف به قوت گرایید و کارش بالا گرفت. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۶ / ۸۱)

علامه طباطبایی فرموده است: این آیه به این نکته اشاره می‌کند که خدای تعالی در مؤمنین برکت قرار داده، و روزبه‌روز به عده و نیروی آنان اضافه می‌شود. و به همین جهت دنبال این کلام فرمود: «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» تا خداوند به وسیله آنان کفار را به خشم آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۴۸)

طبق نظر طبرسی و علامه طباطبایی می‌توان گفت: برای استقلال جامعه اسلامی کم‌کم حرکت کردن بهتر است و این عمل سبب قوت گرفتن در ایام دیگر می‌شود، مثل جوانه گندم که آهسته‌آهسته رشد می‌کند و در آخر تبدیل به ثمره مفید می‌شود. استقلال جامعه اسلامی نیز آهسته‌آهسته رشد می‌کند و افراد زیادی در این راه قدم می‌گذارند مثل نبی اکرم ﷺ که در آغاز رسالتش افراد کمی به او ایمان آورده‌اند و بعد از چند سال مقاومت، یاران و پیروان آن زیاد شدند و اسلام استقلال خود را نه تنها در جامعه عربستان بلکه در جهان به دست گرفت.

چنان‌که در آیه مربوطه این افراد با ویژگی‌هایی چون «تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا؛ همیشه در حال رکوع و سجده‌اند و به دنبال فضل و خشنودی و رضایت خدا هستند». نشان می‌دهد این افراد در عین اینکه عابد هستند، ظاهری آراسته، باطنی پیراسته، عواطفی نیرومند و نیاتی پاک دارند، که در برابر دشمنان حق خشمگین هستند، و در برابر دوستان حق جلوه‌ای از لطف و رحمت خدا را دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲ / ۱۱۷)

پس کسانی که در فکر، اخلاق و عمل همراه با پیامبر ﷺ بودند که شامل اصحاب هم‌عصر پیامبر ﷺ و مسلمانان زمان‌های بعد می‌شود که از خط فکری و عملی و اخلاقی آن حضرت پیروی می‌کنند، ولی شامل منافق صفتان نمی‌شود که هم‌زمان و همراه ظاهری پیامبر ﷺ بودند، ولی خط

فکری و عملی آنها با آن حضرت متفاوت بود. (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۹ / ۲۳۳) در این صورت جامعه اسلامی خودکفا، مستحکم و مستقل می‌شود و روی پای خود می‌ایستد و مستعمره هیچ دولت و حکومت نمی‌شود و روزبه‌روز پیشرفت و رشد می‌کند تا حکومت به دست صاحب اصلی آن برسد. مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی فرمودند:

من به همه ... عرض می‌کنم ... برای پیشرفت امور کشور، برای توسعه اقتصادی، برای باز کردن گره‌ها، نگاهشان به بیرون از این مرزها نخواهد بود، نگاه به خود ملت خواهد بود ... ظرفیت‌های ما زیاد است؛ ... برنامه‌ریزی عاقلانه و مدبرانه برای استفاده از این ظرفیت‌ها می‌تواند کشور را به اقتدار و استحکام ساخت درونی برساند؛ و این، آن چیزی است که دشمن را مأیوس می‌کند. (۱۳۹۶/۲/۵)

طبق نظر رهبری، استقلال جامعه ایران زمانی میسر است که نگاه به بیرون از کشور نباشد بلکه به نیروهای انقلابی داخل باشد و با مدیریت صحیح و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی، جامعه قوی و مستقلی احیا می‌شود و هیچ کشوری چشم طمع به ایران نخواهد داشت هرچند که رسیدن به این استقلال، سال‌ها طول بکشد.

بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی علیه السلام هم در عمل و سیره و هم در قول تأکید به بریدن از وابستگی و استقلال و روی پای خود ایستادن دارند:

می‌دانید که تمام گرفتاری ما و عدم پیشرفت کشورهای اسلامی برای همین وابستگی‌های به خارج بوده است. ... و امروز که بحمدالله باهمت همه قشرهای کشور، این کشور به روی پای خود ایستاده است ... تمام اینها برای این است که کشور به دست خود شما افتاده است، استقلال فکری دارید، استقلال عمل دارید. (بی‌تا: ۱۹ / ۹۶)

امام خمینی استقلال جامعه ایران را زمانی می‌داند که دست مسئولین از وابستگی به دول خارجی کوتاه شود و به نیروهای خودی تکیه کرد و هر جا که نیروهای خودی وارد شدند، تفاوت محسوس شده است. البته طبق نظر مقام معظم رهبری استقلال کشور و اصل روی پای خود ایستادن و تمسک به آیه شریفه «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ...» (فتح / ۲۹) در بیانیه گام دوم چنین مرقوم می‌فرماید:

سابعاً: نماد یرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار روزبه‌روز

تحلیل عزت و استکبارستیزی در بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت آیه ۲۹ سوره فتح □ ۱۲۵

برجسته‌تر شد در تمام این چهل سال تسلیم‌ناپذیری و صیانت پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرزوبوم به‌شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان ... در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند ... (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۲۶)

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت: حفظ استقلال کشور به عواملی بستگی دارد، از جمله برای حل مشکلات، مسئولین نگاه به ظرفیت‌های داخلی داشته باشند و نسبت به امور، مدیریت صحیح داشته باشند همچنین اتحاد جامعه، برای حفظ استقلال تلاش کرده و از نظر ایمان و قدرت، خود را باید تقویت کنند تا دولت‌های خارجی به راحتی نتوانند آنها را فریب بدهند و زمینه سلطه را فراهم کنند.

۲. استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی و نفی سلطه بیگانه

از «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» بحث استکبارستیزی و نفی سلطه غیر فهمیده می‌شود. اسلام آزادی را زندگی و سلب آزادی را نوعی قتل می‌شمرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۴۰) و نفی سلطه انسان را بر انسان دیگر از اصول مسلم و مورد پذیرش دین است. (میر احمدی، ۱۳۷۷: ش ۱ / ۷۷) به همین جهت، هیچ‌کس حق سلب آن را از انسان‌ها ندارد، زیرا موجب سلب انسانیت انسان و اخلال در زندگی او می‌شود (سید قطب، ۱۴۰۰: ۱ / ۲۹۱) برای سلب آزادی عوامل زیادی وجود دارد مثل: خودمحموری، استثمار، کفر؛ یکی از مهم‌ترین عوامل سلب آزادی وجود استکبار است. استکبار یعنی اظهار بزرگی و تکبر کردن درحالی‌که اهلش نیست «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ». (بقره / ۳۴) (قرشی، ۱۴۱۲: ۶ / ۱۲۶) یا به معنای از روی دشمنی حق را نپذیرفتن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۱۲۶) و طلب برتری و اذعان به حق نداشتن (طریحی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۶۵) و تکبر کردن و خودبزرگ‌بینی (واسطی، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۳۳۷) معنا شده است.

قرآن وقتی می‌خواهد یک نمونه از استکبار که سلب آزادی می‌کند را مثال بزند اشاره به استکبار گروهی از قوم حضرت شعیب که موجب سلب آزادی از حضرت شعیب و یارانش شده، می‌کند. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ؟ (اعراف / ۸۸) سران قومش که تکبر می‌ورزیدند، گفتند: «ای شعیب، یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد؛ یا به کیش ما برگردید». گفت: «آیا هر چند کراهت داشته باشیم؟». از نظر مرحوم امام خمینی علیه السلام هر کسی که ملتی را ضعیف می‌شمرد و مورد تجاوز قرار می‌دهد مستکبر است و ایشان شرط وقوع آزادی را از بین رفتن مستکبرین می‌داند:

«مستکبرین» یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند ...؛ یک مورد هم همین دولت‌های جائز، سلاطین ستمگر که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمردند و به آنها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند. چنانچه در این پنجاه و چند سال ... ملت را ضعیف می‌شمردند و ملت را از روی استکبار نظر می‌کردند. (امام خمینی، بی‌تا: ۷ / ۴۸۹)

ایشان مبارزه با استکبار را آن قدر ضروری می‌دانند که آن را یک وظیفه سیاسی برای حج برشمرده‌اند و حج را بدون آن حج نمی‌دانند:

حجاج به وظیفه خود ... عمل می‌کنند. ممکن نیست حجاج ما به حج بروند و دست به تظاهرات علیه استکبار جهانی نزنند. (همان: ۲۱ / ۲۳)

مقام معظم رهبری در جای‌جای بیانیه گام دوم به اصل استکبارستیزی و نفی سلطه بیگانگان تأکید دارند: «این انقلاب ... با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است» ... (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۱۵) ایشان یکی از خدمات مهم انقلاب اسلامی را روشنگری و بالا بردن دانش مردم در برابر تحلیل و فهم مسائل سیاسی می‌داند و این خود مقدمه ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی هست: «بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد». (همان: ۲۲) ایشان می‌فرمایند باید نماد استکبارستیزی روزبه‌روز برجسته شود چراکه یکی از دستاوردهای انقلاب همین امر هست:

نماد پر ابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان ... روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال تسلیم‌ناپذیری ... در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر خصوصیت ایران و ایرانی ... به‌شمار می‌رفته است. (همان: ۲۶)

اگر ملت و دولتی در مقابل قدرت‌های مستکبر ایستادگی کند مستکبرین نه تنها نمی‌توانند هیچ نفعی از ملت آزادی‌خواه ببرند بلکه زبان به عجز و ناتوانی باز می‌کنند: «قدرت‌های انحصارگر جهان ... در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند ...». (همان) معظم‌له یکی از راه‌های برخورد و مقابله با استکبار را اقتصاد قوی می‌دانند: «اقتصاد قوی، نقطه‌قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است». (همان: ۳۹) ایشان اقتصاد را هدف جامعه اسلامی نمی‌دانند، اما وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف عالی می‌دانند: «اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید». (همان) ایشان برای رسیدن به اقتصاد

مطلوب تأکید می‌کنند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است و کسی که چشم به خارج داشته باشد را گناه نابخشودنی می‌داند. (همان: ۴۱)

بنابراین جامعه اسلامی زمانی می‌تواند سلطه بیگانگان را نفی کند و استقلال خود را حفظ کند که روحیه استکبارستیزی را در آحاد جامعه زنده نگه داشته و نیز تکیه بر سرمایه‌های داخلی خود کند و اقتصاد خود را قوی کند، چراکه اقتصاد قوی عامل مهمی برای عدم‌پذیرش سلطه مستکبران است.

۳. تعامل و همکاری (بسیج همگانی)

از اموری که همیشه قابل توجه بوده و باعث پیشرفت یک مجموعه و یا جامعه‌ای شده است نوع تعامل و همکاری بین آحاد آن جامعه هست، اگر در جامعه‌ای تعامل و همکاری موج نزد و هرکس به فکر منافع خود باشد آن جامعه نه تنها پیشرفت نمی‌کند بلکه نسبت به جوامع دیگر وابستگی بیشتری دارد، چراکه یکی از عوامل اساسی پیشرفت هر جامعه‌ای نوع تعامل و همکاری آحاد آن جامعه باهمدیگر است. در آیه شریفه از «رحماء بینهم» می‌توان معنای عمیق تعامل و همکاری را فهمید، چراکه یکی از مصادیق مهم تعامل و همکاری وجود رحمت، عطوفت و مهربانی در بین آحاد جامعه است. به بیان دیگر ریشه وجود تعامل و همکاری به وجود رحمت و مهربانی در بین افراد جامعه برمی‌گردد. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

جمله «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را مقید کرد به جمله «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» تا توهمی که ممکن بود بشود دفع کرده باشد، و دیگر کسی نپندارد که شدت و بی‌رحمی نسبت به کفار، باعث می‌شود مسلمانان به‌طور کلی و حتی نسبت به خودشان هم سنگدل شوند و این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنین با کفار شدت و با مؤمنین رحمت است. (۱۴۱۷: ۱۸ / ۴۴۶)

امام خمینی علیه السلام درباره تعامل و همکاری در آبادی و پیشرفت کشور می‌فرماید:

اگر ملت ایران ... اقدام به ساختمان این مملکت نکند، مملکت به حال خرابه یا نیم‌خرابه باقی خواهد ماند و مسئول خواهیم بود همه. هرکس هرکاری را می‌تواند باید... اقدام بکند. اگر همچو چیزی شد مملکتی آباد و صحیح و خوب محقق خواهد شد. (امام خمینی، بی تا: ۵ / ۵۲۵)

یا در جای دیگر می‌فرماید به‌وسیله همکاری ایرانی آباد که مورد غبطه جهانیان باشد ساخته می‌شود:

از همه شما برادران و خواهران عزیزم می‌خواهم که با دولت موقت انقلاب اسلامی

که وارث یک سلسله خرابی‌های دولت‌های فاسد گذشته است همکاری نماید تا به حول و قوه الهی، هرچه زودتر با همکاری یکدیگر، ایران اسلامی آباد و آزاد را که مورد غبطه جهانیان باشد بسازیم. (همان: ۶ / ۱۲۶)

ایشان درباره بسیج عمومی کشور چنین می‌فرمایند:

برای ساختن ایران همه ملت باید شرکت کنند: ... از دولت و غیردولت گرفته، باید با هم همکاری بکنند و برادرانه دست به هم بدهند و این خرابه‌ای که برای ما گذاشتند از سر بسازند و آبادش کنند. (همان: ۱۷۴)

بحث تعامل و همکاری به قدری مهم است، اگر این همکاری بین تمام مسلمانان جهان باشد بسیاری از مشکلات جهان اسلام حل‌شدنی است، به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام فرمودند:

اگر بیداری اسلامی گسترده‌تر عمیق‌تر شود و دل‌های مسلمانان نزدیک‌تر گردند راه تعامل و همکاری و پیشرفت همگانی گشوده می‌شود و بسیاری از مشکلات جهان اسلام... حل خواهد شد. (۱۳۸۸/۱۲/۱۲)

ایشان در بیانیه گام دوم خطاب به جوانان چنین توصیه می‌کنند:

دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۶)

لازمه وجود تعامل و همکاری تا اینکه جامعه به اهداف خود نائل گردد وجود یک رهبر مقتدر و آگاه است از همین باب مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرمایند:

انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی علیه السلام به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود. (همان: ۱۸)

از این رو پیوند اتحاد مردم با رهبر آگاه و مقتدر، هرگونه دژ استکبار و طاغوتی را فرومی‌ریزد و پیشرفت‌های شگرفی در جامعه طنین‌انداز می‌شود، چنان‌که نبی اکرم صلی الله علیه و آله با اتحاد نیروهایش، قله‌های پیشرفت و جهانی کردن دین اسلام را به ارمغان آورد. امام خمینی علیه السلام نیز با ایجاد همکاری و تعامل میان مردم، دست شیطان بزرگ و حکومت شاهنشاهی و طاغوتی پهلوی را از ایران اسلامی کوتاه کرد.

قطعاً وجود رحمت و همکاری میان مردم موجب می‌شود که انسان به این باور برسد که شعار «ما می‌توانیم»، شدنی است و همچنین انسان می‌تواند با اتکا به توانایی داخلی نه تنها می‌تواند معادلات قدرت‌های خارجی را بر هم بزند بلکه جامعه را به پیشرفت و تعالی رساند: «کشور ... در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت ... عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد ... روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد». (همان: ۲۰) وقتی همدلی در جامعه موج بزند به گونه‌ای می‌شود که مردم خود مشتاقانه در هر واقعه و حادثه‌ای شرکت می‌کنند: «مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند». (همان: ۲۲) که نمونه آن را در سیل ۱۳۹۸ و بیماری کرونا می‌توان مشاهده کرد که مردم ایران با همکاری و ایثاری که از خود به خرج دادند توانستند مشکلات را به حداقل برسانند.

اگر در برهه‌ای از زمان نظام جمهوری اسلامی ایران به پیشرفت دلخواه نرسیده است نشان از بی‌توجهی، عدم تعامل و همکاری و همچنین غفلت مسئولین است و این موارد اگر نمی‌بود حتماً ایران اسلامی به قله‌های رفیع پیشرفت دست می‌یافت:

اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت... آینده‌سازان ... در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت متصدیان تاکنون بی‌استفاده یا کم استفاده مانده است، همت‌ها بلند و انگیزه‌های جوان انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. (همان: ۲۹ - ۲۸)

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت: لازمه وجود یک کشور آباد و حل مشکلات کشور، با جوانان انقلابی قابل تحقق است لذا اگر کشوری دارای چنین سرمایه‌هایی باشد اما نسبت به شعارهای انقلابی خود بی‌تفاوت باشد نه تنها پیشرفت حاصل نمی‌شود بلکه دچار رکود هم می‌شود. بنابراین همت بلند وجود جوانان انقلابی و توجه ویژه به فعلیت رساندن شعارهای انقلاب می‌تواند یک جهش بی‌نظیری در پیشرفت و تعالی کشور ایجاد کند.

۴. حفظ عزت و استقلال مسلمانان

عزت به معنای غلبه (جوهری، ۱۴۱۰: ۲ / ۷۴۹؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱ / ۸۲) قدرت (طریحی، ۱۴۱۶: ۴ / ۲۶) عظمت و سرافرازی (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل لغت عزت) گرامی و ارجمند (عمید، ۱۴۲۶، ذیل لغت عزت) و صلابت و شکست‌ناپذیری است. اسلام همیشه بر حفظ عزت چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی و حکومتی تأکید داشته است. در آیات قرآن حفظ عزت توسط مسلمانان تأکید فراوانی شده است:

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
 أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ (نساء / ۱۳۹ - ۱۳۸)

به منافقان خبر بده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چراکه عزت، همه از آن خداست.

امام صادق علیه السلام در یک روایت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَيَّ الْمُؤْمِنَ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ - وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا. (طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۱۷۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۶۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۴ / ۷۲)

خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده، اما این اختیار را به او نداده است که دلیل باشد مگر نشنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است؟ پس مؤمن عزیزاست و دلیل نیست.

براساس آیات می‌توان این‌گونه گفت: ۱. عزت را در وابستگی به کفار دیدن خصلتی منافقانه است؛ ۲. دوست با کفار تاجایی که ختم به ولایت‌پذیری کفار شود، ممنوع است. یکی از مفاهیم اساسی که از آیه ۲۹ سوره فتح به دست می‌آید عزت و سرافرازی مسلمانان است، چراکه وقتی آیه می‌فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» این خود یک نوع عزت و اقتدار است علاوه بر آن از ادامه آیه که می‌فرماید: «فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوِيَ عَلَيَّ سُوقِي» قوی شدن، روی پای خود ایستادن، رسیدن به قدرت و صلابت، شکست‌ناپذیری و غلبه فهمیده می‌شود که همه این موارد مصادیق و معانی عزت می‌باشند. راه رسیدن به عزت، ایمان به خدا و پیروی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، اگر این‌گونه باشد جامعه قدرت و شجاعت مافوق طبیعه به خود می‌گیرد، امام خمینی ره در این باره می‌فرماید:

اگر مسلمین بخواهند این عزت و عظمتی را که در صدر اسلام بین پیغمبر اکرم ﷺ و اصحاب بود و سایر اقشار مسلمین، آن سیره را متابعت کنند تا اینکه عظمت خودشان را بیابند، آن سیره همان اتفاق بر اسلام [است] که قدرت و شجاعت مافوق الطبیعه می‌آورد. آنچه ملت ما، با اینکه در حال ضعف و تشتت بود دریافت، همین مطلبی بود که در صدر اسلام مسلمین دریافتند؛ اتکا به ایمان و اسلام و وحدت کلمه ... این تحول بزرگی که به اراده خدای تبارک و تعالی در این ملت پیدا شد موجب پیروزی آنها بر یک قدرت شیطانی بزرگ که پشتیبان او همه ابرقدرت‌ها بودند گردید. (بی‌تا: ۹ / ۲۷۴)

مقام معظم رهبری خطاب به ائمه جمعه سراسر کشور چنین می‌فرماید:

– دشمنان – نقشه کشیده‌اند که این ملت سرافراز و سربلند را به ذلت بکشانند ... آنان نمی‌دانند که ملتی خدا جوی و فداکار که زنجیر بندگی ابرقدرت‌ها را پاره کرده و بر اوج قله‌های عبودیت خدا برآمده، هرگز تن به ذلت نخواهد داد. آن کوردلان ندانسته‌اند که «الله العزه و لرسوله و للمومنین» ملتی که با توکل به خدا و اعتماد به نفس، آوازه عزت خویش را به فلک رسانده، هرگز تن به خفت و خواری نخواهد داد. (۱۳۶۷/۵/۲)

بیانیه گام دوم انقلاب خود یک راهنما و ارشادی است که جامعه اسلامی ایران از ذلت و زیردست بودن به عزت و قدرت رسیده و این عزت و استقلال باید حفظ شود و نباید ایران اسلامی به بیگانگان وابسته باشد. اگر ایران همواره عزیز و مقتدر باشد نه تنها به درون نگاه غرورآمیز دارد بلکه از مظلومین جهان هم حمایت می‌کند که معظم‌له در بیانیه گام دوم چنین مرقوم می‌فرماید:

این انقلاب ... با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاد و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است ... این صداقت و صراحت و اقتدار این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۱۵)

عزتی که انقلاب به ایران داده، زمانی می‌توانیم عظمت این عزت را درک کنیم که پیشرفت‌های انقلاب را با انقلاب‌های دیگر مقایسه کنیم: «عظمت پیشرفت‌های چهل ساله ملت ایران آنگاه به درستی دیده می‌شود که این مدت با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود». (همان: ۱۹) در رسیدن به عزت و اقتدار علاوه بر قدرت ایمان و انگیزه وجود یک رهبر الهی و مقتدر، بسیار مهم است چراکه بدون رهبری،

تاب آوردن در برابر مشکلات و فشارها ممکن نیست.

دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تائید شده امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه خباثت امکان‌پذیر نمی‌شد. (همان)

این انقلاب اسلامی بود که عزت را به جامعه برگرداند:

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور ... در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت ... کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌های گران‌بها، مطمئن و امیدوار ... بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. (همان: ۲۰)

معظم‌له شرط حفظ عزت و اقتدار و الگو بودن آن را نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی می‌داند و این امر را سفارش به جوانان دارند چراکه جوانان آینده‌سازان ایران هستند:

مدیران جوان، کارگزاران جوان ... در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی ... باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کاربندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند. (همان: ۳۴)

از اموری که می‌تواند یک جامعه را ذلیل و یا عزیز کند وضعیت اقتصادی آن جامعه است، نیاز مادی و اقتصادی زمینه‌ساز سلطه قدرتمندان بر جوامع بشری است، محاصره اقتصادی پیامبر ﷺ و یارانش به دست کافران قریش نیز در همین راستا است. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۳۴۲) جامعه‌ای که خواهان استقلال - عزت - و آزادی خویش است باید رشته‌های وابستگی خود به بیگانگان را بگسلد تا از خطرات تهدیدکننده وابستگی ایمن گردد. (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۰۷) برخی بر این باور هستند که نیازهای کنونی جامعه راهی برای استقلال باقی نمی‌گذارند. (منصوری، ۱۳۷۴: ۵۸ - ۵۶) درحالی‌که استقلال به معنای قطع رابطه با کشورها نیست و چنین استقلالی در جهان امروز ممکن نیست. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳ / ۱۶۱) استقلال اقتصادی به معنای نفی تسلط و اقتدار بیگانه است و این قابل تأمین است. استقلال اقتصادی از برخی آیات برداشت می‌شود. (نساء / ۱۴۱) جامعه و دولت اسلامی باید از هر کاری که راه نفوذ کافران و بیگانگان را برای سلطه بر مسلمانان هموار می‌کند خودداری کند و یکی از راه‌های نفوذ آنان نیازمندی‌های اقتصادی است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۰۴) همچنین از آیات مربوط به عزت مسلمانان (ر. ک: شکوری، ۱۳۹۴: ۳۲۹ - ۳۲۵) لزوم استقلال اقتصادی و قطع وابستگی به

یگانگان استفاده می‌شود. (رک: موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۳۸ - ۱۳۴)

مقام معظم رهبری با توجه به اهمیت مستقل بودن اقتصاد چنین می‌فرماید:

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کنند است ... انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است ... مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطة وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور ... راه‌حل این مشکلات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است ... درون‌زایی اقتصاد کشور، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است ... همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۳۹)

بنابراین برای حفظ عزت و استقلال کشور، علاوه بر ایمان به خدا و پیامبر، داشتن یک رهبر قوی و مقتدر و همچنین داشتن روحیه انقلابی بین افراد جامعه لازم است. چون به کارگیری جوانان و نیروهای زبده و انقلابی، موجب نگاه جهادی به امور و حل مشکلات کشور و مشکلات اقتصادی می‌شود و نگاه به ظرفیت‌های خارجی از بین می‌رود.

۵. عدم اعتماد به غیرمسلمانان

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد آیات متعددی از قرآن کریم مسلمانان را از دوستی با اهل کتاب و کفار که زمینه‌ساز سلطه و حاکمیت آنان و نفی استقلال مسلمانان است را بر حذر داشته است، این مطلب از آیه ۲۹ سوره فتح و همچنین از آیات دیگری از جمله آیه شریفه ۱۱۸ سوره آل عمران به دست می‌آید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا». واژه «بطانه» به معنای لباس زیر (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۹۲) و آستر هر چیزی (راغب، ۱۴۱۳: ۱۳۰) معنا شده است.

«بطانه» به صورت استعاره برای کسی که از باطن کار تو بااطلاع است، استفاده شده، بنابراین معنای آیه چنین منظور شده که، آنها را محرم خود نگیرید تا به باطن امورتان پی ببرند. پس «بطانه» در آیه کنایه از این است که کافران و بیگانگان نباید محرم اسرار مسلمانان قرار گیرند زیرا دوستی و اعتماد و وابستگی به بیگانگان موجب نابودی خرد مسلمانان می‌شود (طبری، ۱۴۱۲: ۴ / ۳۹)

نفی دوستی و رابطه با بیگانگان نوعی از نفی سبیل و سلطه غیرمسلمانان بر مسلمانان است، پس برخی از دوستی‌ها باعث می‌شود، دیگران بر اسرار مسلمانان دست پیدا کرده و از همان اسرار علیه

مسلمانان استفاده کنند، لذا قرآن به صورت صریح هرگونه دوستی با بیگانگان را نهی و مذمت کرده است. یا درجایی دیگر قرآن می‌فرماید اگر کسی با غیرمسلمان دوست شود، دیگر مسلمان نیست و جزء ستمگران به حساب می‌آیند. (مائده / ۵۱)

از نظر امام خمینی ره شرط رابطه و دوستی با بیگانه تا زمانی است که در امور داخلی مسلمانان دخالت نکنند و باید دوستی بر پایه احترام متقابل باشد:

تبلیغات روزنامه‌های شوروی مداخله در امور داخلی محسوب نمی‌شود. و در واقع تمام روزنامه‌های جهان باید از ما علیه رژیم شاه حمایت کنند. اتحاد شوروی در ردیف کشورهایی است که وضع ملت ایران را درک کرده و رفتار خود را بر همین اساس بنانهاده است. ما با شوروی مانند همه کشورهای دیگر، مادام که نخواهند در امور داخلی ما مداخله کنند، روابط دوستی خواهیم داشت. باید به روابط حسن تفاهم و دوستی بر پایه احترام متقابل استوار بود. (امام خمینی، بی تا: ۵ / ۴۱۵)

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب قائل به حل مشکلات با اروپائیان هستند، اما مذاکره و رابطه با آمریکا را صریحاً منع کرده و حتی معتقد به زبان معنوی هم هستند:

دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها - تعدادی از دولت‌های اروپایی - با دقت حفظ کند، از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آنها نهراسد، و در همه حال عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ۴۷)

بنابراین هرگاه جامعه به دشمن به‌عنوان یک دوست نگاه کند و به دشمن اعتماد بشود آن جامعه دچار خسران و ضرر مادی و معنوی می‌شود. از این رو است که در مراودات بین‌المللی اصل اولیه عدم اعتماد به غیرمسلمان است و زمانی اعتماد حاصل می‌شود که در تعهداتشان راستی‌آزمایی صورت پذیرد و حسن نیت آنها مشخص شود و گرنه اعتماد به دشمنان اسلام و انقلاب، تبعات خطرناکی به همراه دارد چنان که قرآن کریم از حيله‌های آنها پرده برداشته است.

نتیجه

آیه ۲۹ سوره فتح یکی از راهبردی‌ترین دستورات استراتژیک برای عزت، استقلال و استکبارستیزی جامعه اسلامی است. براساس این آیه اگر قرار است جامعه اسلامی پیشرفت کند باید بین اتحاد جامعه

و مسئولین ارتباط تنگاتنگی بر مبنای عطف و مهربانی باشد و درضمن نه تنها برای پیشرفت چشم به خارج از مرزهای اسلامی نداشته باشند بلکه با آنان با رعایت تمام موازین با شدت عمل بالا برخورد کنند، به گونه‌ای که غیرمسلمانان حتی فکر دست‌اندازی به هیچ‌یک از منافع ممالک اسلامی را نداشته باشند و از طرف دیگر طبق بیانیه گام دوم انقلاب، جامعه اسلامی ایران براساس استقلال، عزت، عدم‌اعتماد به دشمن و ... استوار است؛ لذا در قراردادهای، مقاله‌نامه‌ها، مذاکرات بر اساس مفاد مستفاد از آیه ۲۹ سوره فتح و بیانیه گام دوم انقلاب عمل شود تا عزت و استقلال کشور همیشه استوار باشد و روحیه استکبارستیزی تداوم داشته باشد. البته استکبارستیزی زمانی تحقق می‌یابد که کشور عزت و استقلال داشته باشد و به غیرمسلمانان در درجه اول اعتماد نشود و در صورت وجود نفی سلطه از آنها و با حفظ عزت، می‌توان تعامل و همکاری برقرار کرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ۱۳۷۶، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰، *التحریر و التنویر المعروف تفسیر ابن عاشور*، بیروت، موسسه التاریخ العربی.
 ۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴، *معجم مقائیس اللغه*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۳. ابن منظور، ابوالفضل، ۱۴۱۴، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
 ۴. ابوالسعود، محمد، ۱۹۸۳، *تفسیر ابی‌السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، محمدجعفر محقق یاحقی، آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 ۶. اشرفی، امیررضا و محمد مهدی پورعلی‌فرد، *فصلنامه قرآن شناخت*، سال دهم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
 ۷. ایجی، محمد عبدالرحمان، ۱۴۲۴، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (ایجی)*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 ۸. بجنوردی، سید حسن، ۱۴۱۹، *القواعد الفقیه*، قم، الهادی.
 ۹. بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر جامع*، تهران، صدر.
 ۱۰. پانی پتی، ثناء الله، ۱۴۱۲، *التفسیر المظهری*، پاکستان - کویت، مکتبه رشدیہ.
 ۱۱. ثعالی، عبدالرحمن، ۱۴۱۸، *المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین.
 ۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، *وسائل الشیعہ*، قم، موسسه آل‌البیت علیه السلام.

۱۴. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، *بیانیه گام دوم انقلاب*، تهران، معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۱۵. حقی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه*، تهران، موسسه لغت نامه.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم الدار الشامیه.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۸، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *فروع ابدیت*، قم، بوستان کتاب.
۲۰. شاذلی، سید قطب، ۱۴۰۰، *فی ظلال القرآن*، القاهرة، دار الشروق.
۲۱. شکوری، ابوالفضل، ۱۳۹۴، *فقه سیاسی اسلام*، تهران، نورا.
۲۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتاب.
۲۳. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸، *التفسیر الکبیر*، اردن - اردب، دار الکتب الثقافی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، فضل الله مصحح یزدی طباطبائی، تهران، ناصرخسرو.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، ترجمه حسین نوری همدانی و جمعی از مترجمین، تهران، فراهانی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲، *جامع البیان*، بیروت، دار المعرفه.
۲۹. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان*، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان*، تهران، اسلام.
۳۳. عمید، حسن، ۱۴۲۶، *فروغ نعت*، قم، اهل بیت (علیهم السلام).
۳۴. فخر رازی، محمد، ۱۴۲۰، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. فراهیدی، خلیل، ۱۴۱۰، *العین*، قم، نشر هجرت.
۳۶. فیض کاشانی، محمد، ۱۴۱۵، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر.
۳۷. فیومی، احمد، بی تا، *المصباح المنیر*، قم، منشورات دار الرضی.

۳۸. قاسمی، جمال‌الدین، ۱۴۱۸، *محاسن التناویل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۹. قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۷۷، *اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴۰. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۵، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر.
۴۱. قرشی، علی‌اکبر، ۱۴۱۲، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۲. قمی مشهدی، محمد، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۴۰، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، علمی.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۴۶. محلی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶، *تفسیر جلالین*، بیروت، موسسه النور للمطبوعات.
۴۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
۴۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *فقه و حقوق*، قم، صدرا.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۱. منصوری، جواد، ۱۳۷۴، *فرهنگ استقلال و توسعه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۵۲. موسوی اصفهانی، سید جمال‌الدین، ۱۳۷۹، *پیام‌های اقتصادی قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۳. موسوی خمینی، روح‌الله، بی‌تا، *صحیفه نور*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۵۴. موسوی خمینی، روح‌الله، بی‌تا، *وصیت‌نامه الهی سیاسی*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۵۵. میراحمدی، منصور، ۱۳۷۷، «مفهوم آزادی در فقه سیاسی شیعه»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۱، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
۵۶. واسطی، سید محمد زبیدی، ۱۴۱۴، *تاج العروس*، بیروت، دار الفکر.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی